

تحلیل حقوقی بخشنامه مدیریت تعارض منافع در وزارت آموزش و پرورش

مرکز توانمندسازی حاکمیت و جامعه جهاد دانشگاهی
مهر ۱۳۹۹

۱۲۷



بنام خداوند جان و آفریننده



تحلیل حقوقی بخشنامه مدیریت تعارض منافع در وزارت آموزش و پرورش

مجموعه مدیریت تعارض منافع در بخش آموزش عمومی - ۲

مرکز توانمندسازی حاکمیت و جامعه جهاد دانشگاهی

مهر ۱۳۹۹

فهرست مطالب

۳	خلاصه مدیریتی.....
۵	درآمد.....
۶	۱. اشخاص مورد خطاب در بخشنامه.....
۶	۱.۱. کلیه کارمندان.....
۸	۲.۱. مدیران و کارمندان بخش‌های خاصی از وزارتخانه و سازمان‌های زیرمجموعه.....
۸	۱.۲.۱. معاونان و مدیران دستگاه و کارکنان شاغل در پست‌های مدیریتی.....
۸	۲.۲.۱. مدیران عضو شوراها.....
۹	۳.۲.۱. کارکنان سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی و اعضای کارمند شورای تحقیقات استان‌ها.....
۱۰	۴.۲.۱. مهندسان مشاور.....
۱۰	۲. مکان‌های موضوع محدودیت.....
۱۰	۱.۲. مکان‌های مرتبط با وزارت آموزش و پرورش.....
۱۱	۲.۲. مکان‌های غیرمرتبط با وزارت آموزش و پرورش.....
۱۳	۳. فعالیت‌های موضوع محدودیت.....
۱۳	۱.۳. اخذ مجوز و اداره مکان‌هایی خاص.....
۱۴	۲.۳. انجام معامله مشخص.....
۱۴	۳.۳. عضویت هم‌زمان در موقعیت شغلی معین دیگر.....
۱۵	۴. تحلیل حقوقی مواد بخشنامه.....
۱۵	۱.۴. ماده یکم.....
۱۹	۲.۴. مواد دوم، پنجم و ششم.....
۲۲	۳.۴. ماده سوم.....
۲۲	۴.۴. مواد چهارم و هفتم.....
۲۴	۵.۴. قانون ارتقا نظام اداری و مبارزه با فساد.....
۲۴	۵. موخره و نتیجه‌گیری.....
۲۶	۶. پیوست: متن بخشنامه مدیریت تعارض منافع وزارت آموزش و پرورش.....

خلاصه مدیریتی

۱. با توجه به اینکه در مورد مدیریت تعارض منافع، تاکنون قانون جامعی به تصویب نرسیده است، مواد بخشنامه مدیریت تعارض منافع در آموزش و پرورش عمدتاً مستند به مقررات پراکنده است که سابقاً بر مبنای تعارض منافع به تصویب رسیده اند.
۲. ماده یک بخشنامه که مهمترین ماده آن است و در نظام آموزشی ما قسمت عمده و مهمی از تعارض منافع را به خود اختصاص می دهد، مبتنی بر منع قانونی نیست و وزیر از اختیارات قانونی خود برای حل آن استفاده کرده است.
۳. ملاحظه مفاد بخشنامه حکایت از آن دارد که مجموعه وزارتخانه آموزش و پرورش به ابعاد حقوقی بخشنامه توجه داشته است و با توجه به مقررات موجود و اختیارات وزارتی وزیر، به مدیریت تعارض منافع مجموعه خود پرداخته است و به نظر می رسد به موارد مهمی از تعارض منافع در وزارت آموزش و پرورش اشاره شده است.
۴. اگرچه می توان بخشنامه را منطبق بر قوانین دانست با این وجود بخش هایی از آن محل ایراد است. در ماده یک، اختیارات وزیر محدود به اعضای از شوراهای نظارت است که در وزارتخانه و زیرمجموعه های استانی و شهرستانی پست اجرایی دارد و شامل اشخاص حقیقی خارج از وزارتخانه نمی شود.
۵. به نظر می رسد محدودیت های موضوع بخشنامه که مبتنی بر قوانین اسنادی ایجاد شده است شامل کارمندان با قرارداد موقت نمی شود و محدود به کارمندان رسمی و پیمانی وزارتخانه و زیرمجموعه های آن است.
۶. در قوانین مربوط به ممنوعیت معاملات کارکنان دولتی با دستگاه های اجرایی، به دلیل پاره ای ملاحظات مانند انحصاری بودن کالا و خدمات، معافیت هایی برای دستگاه اجرایی پیش بینی شده است که باید با مجوز بالاترین مقام اجرایی دستگاه باشد در حالی که با توجه به بخشنامه حاضر، به صورت کلی تمام معاملات ممنوع اعلام شده است که این محدودیت ممکن است در عمل مشکلاتی را برای تامین نیازهای وزارتخانه ایجاد کند.

درآمد

بخشنامه‌ی مدیریت تعارض منافع در وزارت آموزش و پرورش که در تاریخ ۱۹ خرداد ۱۳۹۹ ابلاغ شد، سومین تلاش سالیان اخیر در دولت و دستگاه‌های اجرایی برای مقابله با تعارض منافع در زیرمجموعه‌های خود بوده است. نخستین تلاش به اقدام وزیر وقت راه و شهرسازی بازمی‌گردد که کوشید تعارض منافع در سازمان نظام مهندسی را مدیریت کند و البته مناقشات و تنش‌های زیادی برانگیخت. دومین گام به اقدام وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در شناسایی و مدیریت تعارض منافع در زیرمجموعه‌های خود بازمی‌گردد که حداقل در یک نمونه از سوی سازمان بهزیستی به عنوان سازمان تابعه‌ی این وزارتخانه به اقدام عملی منجر شد.

محسن حاجی‌میرزایی در ابلاغ بخشنامه‌ی مذکور گام مهمی را برای اصلاح نظام آموزشی برداشته که در صورت فراهم آوردن شرایط اجتماعی و تحکیم بستر حقوقی برای اجرا و تحقق می‌تواند ثمرات قابل توجهی در کاهش ناکارآمدی نظام آموزش و پرورش و تعدیل نابرابری‌های آموزشی داشته باشد.

در مقدمه‌ی بخشنامه‌ی وزارت آموزش و پرورش و بخش‌هایی از متن آن، برای فراهم آوردن زمینه و بستر حقوقی این اقدام به چند اصل و قانون اشاره شده است:

- اصل ۱۴۱ قانون اساسی
- قانون ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد (مصوب ۱۳۸۷)
- قانون منع مداخله کارکنان دولت در معاملات دولتی و قانون مدیریت خدمات کشوری (مصوب ۱۳۸۶)
- قانون ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل (مصوب ۱۳۷۳)

با این حال، عدم تصویب «لایحه نحوه مدیریت تعارض منافع در انجام وظایف قانونی و ارائه خدمات عمومی» که در آذر ۱۳۹۸ توسط دولت به مجلس تقدیم شده، سبب شده که مدیریت تعارض منافع در دستگاه‌های اجرایی با برخی چالش‌ها و خلاءهای حقوقی مواجه باشد. در گزارش کارشناسی پیش رو که توسط یکی از حقوقدانان مطلع و مجرب همکار مرکز توانمندسازی حاکمیت و جامعه نگاشته شده، ابعاد حقوقی این بخشنامه به دقت مورد ارزیابی و واکاوی قرار گرفته است. ارزیابی حقوقی پیش رو نشان می‌دهد که در تدوین بخشنامه ظرافت‌های حقوقی به شکل حداکثری لحاظ شده است؛ هرچند برخی تکالیف و رهنمودهایی که در بخشنامه مطرح شده محل تامل و در مواردی فاقد ضمانت اجرایی قلمداد می‌شود.

ارزیابی ارائه شده توسط مرکز توانمندسازی در راستای تحکیم موقعیت حقوقی بخشنامه و به عنوان مشارکتی در این اقدام مهم وزارت آموزش و پرورش است که امید است مورد توجه مسئولان این وزارتخانه، کارشناسان حوزه‌ی آموزش و دیگر سیاستگذاران و مسئولان قرار گرفته و حاوی نکاتی برای تقویت و بهبود مسیر مدیریت تعارض منافع در بخش آموزش عمومی کشور باشد.

مرکز توانمندسازی حاکمیت و جامعه جهاد دانشگاهی

۱۲ مهر ۱۳۹۹

تحلیل حقوقی بخشنامه مدیریت تعارض منافع وزارت آموزش و پرورش

وزیر آموزش و پرورش در ۱۹ خردادماه ۹۹ یک بخشنامه خطاب به بخش‌های مختلف وزارتخانه متبوع خود ابلاغ کرد. این بخشنامه بر مبنای قاعده تعارض منافع کارمندان آن وزارتخانه بین فعالیت دولتی آنان و فعالیت آنان در بخش خصوصی و نیز بر پایه قاعده منع تصدی بیش از یک شغل صادر شده است. در بخش‌های مختلف بخشنامه به مقررات جاری کشور که عمدتاً ریشه در جلوگیری از تعارض منافع دارند استناد شده است. در این تحقیق تلاش شده است با توجه به مقررات فوق، مواد بخشنامه مورد تجزیه و تحلیل حقوقی قرار بگیرد.

با توجه به اینکه در قوانین به صورت مستقیم و غیرمستقیم، قلمرو شخصی، مکانی و موضوعی قانون تعیین می‌شود بنابراین برای تحلیل مستندات قانونی مواد بخشنامه لازم است قلمرو شخصی، مکانی و موضوعی این مواد مشخص شود.

در مواد مختلف بخشنامه به اشخاص، مکان‌ها و فعالیت‌های مختلفی به شرح ذیل اشاره شده است:

۱. اشخاصی که مخاطب قرار گرفته‌اند.
۲. مکان‌هایی که موضوع محدودیت‌ها قرار گرفته‌اند.
۳. فعالیت‌هایی که موضوع محدودیت‌ها قرار گرفته‌اند.

ابتدا این بخش‌ها بررسی می‌شود و سپس مواد هفت‌گانه بخشنامه تحلیل حقوقی می‌شود.

۱. اشخاص مورد خطاب در بخشنامه

در موادی از بخشنامه، کلیه کارمندان وزارت آموزش و پرورش مخاطب هستند و در مواد دیگر به مدیران و کارمندان بخش‌های خاصی از وزارتخانه و سازمان‌های زیرمجموعه آن اشاره شده است.

۱.۱. کلیه کارمندان

در ماده ۲ و ماده ۶ بخشنامه کلیه کارمندان دولتی مخاطب بخشنامه هستند. مطابق ماده ۷ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶، منظور از کارمند دولت شخصی است که بر اساس ضوابط و مقررات مربوط به موجب حکم و یا قرارداد مقام صلاحیت‌دار در وزارت آموزش و پرورش و یا سازمان‌های زیرمجموعه آن به خدمت پذیرفته می‌شود. بنابراین کارکنان رسمی و پیمانی این مجموعه‌ها می‌توانند مخاطب بخشنامه باشند ولی با توجه به مواد ۴۵ و ۵۲ قانون فوق، کارکنان با قرارداد موقت از شمول بخشنامه خارج هستند.^۱ اگرچه مطابق ماده ۳۲ قانون مدیریت خدمات کشوری

۱. برای مطالعه بیشتر در مورد شناسایی عبارات مستخدمین دولت و کارمندان دولتی ر.ک. طباطبایی مومنی، منوچهر، حقوق اداری، انتشارات سمت، چاپ بیست و یکم، تابستان ۱۳۹۷، ص. ۱۵۹ به بعد؛ موسی زاده، رضا، حقوق اداری، بنیاد حقوقی میزان، چاپ نوزدهم، تهران، زمستان ۱۳۹۸، صص. ۱۷۵، ۱۸۱ و ۱۹۲، امامی و استوار سنگری، حقوق اداری، بنیاد حقوقی میزان، چاپ بیست و چهارم، تهران، پاییز ۱۳۹۸، ص. ۲۲۴

امکان به کارگیری موقت اشخاص توسط دولت در شرایط خاص آن ماده وجود دارد اما این اشخاص مستخدم دولت نیستند و نمی‌توان آن‌ها را کارمند دولت موضوع ماده ۷ قانون فوق دانست.^۱ مطابق بندهای الف و ب ماده ۱ و ماده ۴ قانون استخدام کشوری مصوب ۱۳۴۵ نیز این اشخاص از شمول عنوان کارمند دولت خارج هستند. به‌ویژه اینکه در مواد ۲ و ۶ بخشنامه، مشمولین قانون منع مداخله مقامات و کارمندان دولت در معاملات دولتی مصوب ۱۳۳۷ مورد

۱. نامه شماره ۱۲۲۸۸/۴۱۹۱۲ مورخ ۱۳۹۱/۰۷/۱۵ معاونت حقوقی رئیس‌جمهور:

«جناب آقای موهبتی. معاون محترم برنامه‌ریزی مدیریت و توسعه منابع انسانی سازمان ثبت‌احوال کشور. سلام‌علیکم؛ عطف به نامه شماره ۳/۲۴۲۲۹ مورخ ۱۳۹۱/۰۳/۰۲ در خصوص استعلام از قوانین و مقررات حاکم بر کارکنان قرارداد کار معین ضمن تأکید بر نظریه شماره ۳۵۷۷/۵۳۲۵۴ مورخ ۱۳۸۷/۰۲/۱۱ (تصویر پیوست) اعلام می‌دارد: موادی که در قانون مدیریت خدمات کشوری احکام و ضوابطی را در مورد «کارمند» و کارمندان وضع نموده است باید بر اساس تعریف کارمند در ماده (۷) قانون مدیریت خدمات کشوری که مقرر نموده است: «ماده ۷- کارمند دستگاه اجرایی: فردی است که بر اساس ضوابط و مقررات مربوط، به موجب حکم و یا قرارداد مقام صلاحیت‌دار در یک دستگاه اجرایی به خدمت پذیرفته می‌شود.»

مورد تفسیر و اجرا قرار گیرند و بر این مبنا تعریف یادشده شامل افرادی که در قالب قرارداد کار معین به کارگیری می‌شوند، نمی‌گردد؛ زیرا اولاً به خدمت پذیرفته شدن که همان استخدام است و دارای آثار حقوقی و قانونی خاص خود است در مورد افرادی که بر اساس قرارداد کار معین به کارگیری می‌شوند مصداق ندارد. ثانیاً، همان‌طور که صدر ماده (۴۲) قانون مدیریت خدمات کشوری با تصریح به واژه «کارمندان» و نیز ماده (۴۵) آن قانون ذکر شد و با جمع مفاد احکام قانون یادشده از جمله مواد (۷، ۳۲، ۴۵) منظور از کارمند در مواد قانون مدیریت خدمات کشوری حسب مورد کارمند رسمی یا پیمانی یا در دودسته است. ثالثاً، منطقاً و قانوناً و همان‌طور که رویه صحیح اجرایی در کلیه دستگاه‌ها حکایت دارد، نمی‌توان ملتزم به شمول واژه «کارمند» به نیروهای به کارگیری شده در قالب قرارداد کار معین گردید زیرا در غیر این صورت باید ملتزم شد که برای مثال، «انتصاب و ارتقاء شغلی کارمندان» به شرح ماده (۵۳) و مواد بعدی قانون مدیریت خدمات کشوری نیز «نظام پرداخت کارمندان» بر اساس ارزشیابی عوامل شغل و شاغل (طبق ماده ۶۴) و فوق‌العاده‌های موضوع ماده (۶۸) قانون یادشده و نیز احکام ناظر بر «مأموریت و انتقال کارمندان» (موضوع ماده ۲۱ قانون مدیریت خدمات کشوری و آیین‌نامه اجرایی آن موضوع تصویب‌نامه شماره ۴۴۲۹۵/۲۰۴۶۱ مورخ ۱۳۸۹/۰۱/۳۱ شامل افراد مورد نظر نیز می‌گردد. لازم به ذکر است در طول دوره برنامه پنجم توسعه به استناد حکم صریح و خاص مندرج در بند «الف» ماده (۶۵) قانون برنامه پنجم توسعه، مقررات مربوط به انتقال و مأموریت کارکنان رسمی در مورد نیروهای قراردادی کار معین قال اجرا است. رابعاً به‌واسطه بدیهی بودن مطلب و عدم شمول قانون مدیریت خدمات کشوری بر این افراد بوده است که رئیس مجلس شورای اسلامی در نامه شماره ۱۱۱/۱۰۸۷۴/ب مورخ ۱۳۸۸/۰۳/۰۲ (تصویر پیوست) که قسمت‌هایی از تصویب‌نامه شماره ۷۷۹۶۱/ت/۴۰۰۰۶ مورخ ۱۳۸۷/۰۵/۱۷ را از جمله به استناد تبصره ماده (۳۲) قانون مدیریت خدمات کشوری واجد ایراد دانسته‌اند، هیچ ایرادی بر عبارت «در چارچوب قوانین کار و تأمین اجتماعی اقدام نمایند» مندرج در ذیل بند «۱» مصوبه مطرح ننموده‌اند.

«بنا به مراتب فوق و از آنجاکه بر مبنای مستندات قانونی و تحلیل فوق، افراد پذیرفته‌شده در قالب قرارداد کار معین، مشمول قانون مدیریت خدمات کشوری یا سایر قوانین و مقررات خاص نمی‌باشند و بر این مبنا مصداق ماده (۱۸۸) قانون کار نیستند، لذا قراردادهای موضوع استعلام، مشمول قوانین کار و تأمین اجتماعی هستند.»

نظر می‌باشند و لذا باید عبارت کلیه کارمندان را بر اساس تعریف قانونی کارمندان در آن زمان شناسایی کرد که در آن وقت، قانون استخدام کشوری مصوب ۱۳۰۱ حاکم بوده و در ماده ۱ آن تنها به کارمندان رسمی اشاره شده است.

۲.۱. مدیران و کارمندان بخش‌های خاصی از وزارتخانه و سازمان‌های زیرمجموعه

۲.۱.۱. معاونان و مدیران دستگاه و کارکنان شاغل در پست‌های مدیریتی

در ماده ۴ بخشنامه به معاونان و مدیران دستگاه و همچنین کارکنان شاغل در کلیه پست‌های مدیریتی و در ماده ۶ آن به مدیران دولتی اشاره شده است. این مواد شامل کارمندان عادی نمی‌شود و تنها شامل اشخاصی است که پست اداری آنان معاونت و یا مدیر است و یا مثلاً اشخاص خارج از یک سازمان دولتی است که مطابق ماده ۵۴ قانون مدیریت خدمات کشوری در پست‌های مدیریتی شاغل هستند.

منظور وزیر در این بندها تنها معاونان و مدیران زیرمجموعه وزارتخانه متبوع خود نیست بلکه با توجه به مستندات قانونی این مواد، تمام معاونان و مدیران دولتی را شامل می‌شود.

۲.۲.۱. مدیران عضو شوراها

در ماده ۱ بخشنامه به مدیرانی که در شورای سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و نظارت مرکزی و نیز شورای نظارت بر مدارس و مراکز غیردولتی استان‌ها، شهرستان‌ها و نواحی عضویت حقیقی یا حقوقی دارند اشاره شده است. مطابق ماده ۴ قانون تأسیس و اداره مدارس و مراکز آموزشی و پرورشی غیردولتی مصوب سال ۱۳۹۵ ترکیب شورای سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و نظارت مرکزی و شورای نظارت استان به شرح زیر است:

۱- شورای سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و نظارت مرکزی:

- الف - وزیر آموزش و پرورش (رئیس شورا).
- ب - معاون وزیر و رئیس سازمان مدارس و مراکز غیردولتی و توسعه مشارکت‌های مردمی (نائب رئیس).
- پ - مسئول مدارس و مراکز غیردولتی سازمان مدارس غیردولتی و توسعه مشارکت‌های مردمی (دبیر شورا).
- ت - یک نفر به انتخاب شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- ث - مدیرکل حقوقی وزارت آموزش و پرورش.
- ج - دبیر کل شورای عالی آموزش و پرورش.
- چ - نماینده کمیسیون آموزش، تحقیقات و فناوری مجلس شورای اسلامی.
- ح - دو معاون آموزش ابتدائی و متوسطه وزارت آموزش و پرورش.
- خ - معاون پرورشی وزارت آموزش و پرورش.
- د - دو نماینده از مؤسسان مدارس غیردولتی و یک نفر از مؤسسان مراکز غیردولتی به پیشنهاد شورای هماهنگی مؤسسان و تصویب شورای نظارت مرکزی (بدون حق رأی).

۲- شورای نظارت استان:

الف - مدیرکل آموزش و پرورش (رئیس شورا).

ب - رئیس اداره مشارکت‌های مردمی (نائب رئیس).

پ - کارشناس مسئول مدارس غیردولتی (دبیر شورا).

ت - رئیس اداره حقوقی.

ث - یکی از معاونان آموزشی.

ج - معاون پرورشی.

چ - دو نماینده از مؤسسان غیردولتی و نماینده مراکز غیردولتی به انتخاب شورای هماهنگی مؤسسان استان و تصویب شورای نظارت استان (بدون حق رأی).

ح - یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی به انتخاب مجمع نمایندگان استان (ناظر).

در تبصره ماده ۶ قانون فوق آمده است اعضای شورای نظارت شهرستان و منطقه متناظر ترکیب اعضای شورای نظارت استانی می‌باشند.

منظور از اشخاص حقیقی اعضایی هستند که به اعتبار جایگاه مدیریتی خود عضو شورا هستند مانند وزیر که فارغ از اینکه چه شخص حقیقی وزیر است در هر صورت به اعتبار وزیر بودن عضو شورا است و با پایان وزارت نیز عضویت وی پایان می‌یابد. منظور از شخص حقوقی نیز شخصی است که به اعتبار شخص خودش انتخاب می‌شود و تا پایان دوره این مسئولیت را بر عهده دارد مانند شخصی که توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی تعیین می‌شود.

در بخشنامه مشخص نشده مدیران تمام نهادهای دولتی مخاطب هستند و یا مدیران وزارت آموزش و پرورش و سازمان‌های تابعه آن. با توجه به اینکه وزرای وزارتخانه‌ها در بخشنامه‌های صادره تنها می‌توانند برای بخش‌های اداری زیرمجموعه وزارتخانه خود الزام ایجاد کنند به نظر می‌رسد منظور از مدیران در بخشنامه، مدیران وزارت متبوع و سازمان‌های تابعه آن است بنابراین اشخاص مذکور در بندهای الف، ب، پ، ث، ج، ح و خ شورای نظارت مرکزی و بندهای الف، ب، پ، ت، ث، ج شورای نظارت استان و اشخاص متناظر آن‌ها در شورای نظارت شهرستان و منطقه مشمول ماده ۱ بخشنامه هستند.

۱.۲.۳. کارکنان سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی و اعضای کارمند شورای تحقیقات استان‌ها

در ماده ۲ بخشنامه علاوه بر کارمندان دولتی، به صورت ویژه به کارکنان سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی و اعضای کارمند شورای تحقیقات استان‌ها اشاره شده است. سازمان فوق از سازمان‌های وابسته به آموزش و پرورش است و کلیه کارمندان آن دولتی محسوب می‌شوند. شورای فوق نیز از شوراهای زیرمجموعه اداره کل آموزش و پرورش استان است که تنها کارکنان دولتی آن مخاطب بخشنامه هستند. در هر حال کلیه کارمندان، مشمول ممنوعیت قانون هستند این

ماده هستند و اشاره به کارمندان بخشی از مجموعه وزارت آموزش و پرورش به نظر می‌رسد به دلیل احتمال بیشتر وجود تعارض منافع در این بخش است.

۴.۲.۱. مهندسان مشاور

در ماده ۵ بخشنامه به مهندسين مشاورى كه وظیفه حاکمیتی و اعمال نظارت در سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس کشور و واحدهای تابع استانی آن را بر عهده دارند اشاره شده است. مهندسان مشاورى كه در راستای ماده ۶ قانون «تأسیس سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس کشور مصوب ۱۳۵۴» به استخدام سازمان درآمدہ باشند جز کارمندان دولتی محسوب می‌شوند. اما بیشتر مهندسين مشاور در راستای ماده ۲ قانون فوق نوعاً به صورت قراردادی در حال همکاری با سازمان فوق هستند و رابطه استخدامی رسمی و پیمانی با آن ندارند. اگرچه تلاش شده در قالب طرحی به استخدام سازمان دریابند ولی تاکنون این مهم اتفاق نیفتاده است. بنابراین آنان را نمی‌توان کارمند دولت دانست.

۲. مکان‌های موضوع محدودیت

در بخشنامه وزیر، بخشی از محدودیت‌ها مربوط به فعالیت در مکان‌هایی خاص است. این مکان یا از مکان‌هایی است که مرتبط به وزارت آموزش و پرورش است و یا مرتبط به وزارت فوق نیست. به نظر می‌رسد مکان‌های اول به دلیل ارتباطی که راه اندازی، اداره و نظارت آن‌ها با وزارتخانه فوق دارد موضوع محدودیت قرار گرفته‌اند و مکان‌های دوم به دلیل ویژگی خاصی که خود این مکان‌ها دارند مطابق قواعد عمومی ممنوعیت‌ها، موضوع محدودیت قرار گرفته‌اند.

۲.۱. مکان‌های مرتبط با وزارت آموزش و پرورش

در ماده ۱ بخشنامه به مدرسه، مرکز آموزشی و پرورشی غیردولتی از قبیل آموزشگاه علمی آزاد، آموزشگاه زبان خارجی، مرکز مشاوره، کانون فرهنگی و تربیتی و... اشاره شده است. این اماکن در ماده ۲ قانون تأسیس و اداره مدارس و مراکز آموزشی و پرورشی غیردولتی تعریف شده‌اند. مطابق این ماده:

«الف - مدرسه: واحد آموزشی و پرورشی که آموزش‌های رسمی را از دوره پیش‌دبستان تا پایان دوره متوسطه ارائه می‌کند.

تبصره - واحدهای آموزشی که بر اساس برنامه‌های مصوب وزارت آموزش و پرورش برای آموزش تمام‌وقت یا بخشی از موضوعات درسی دوره‌های تحصیلی به صورت حضوری، نیمه‌حضوری و غیر حضوری و با ارائه مدرک تحصیلی فعالیت می‌کنند، مشمول تعریف فوق می‌باشند.

ب - مرکز پرورشی: واحدی که در زمینه امور پرورشی و تربیت‌بدنی فعالیت می‌کند، از قبیل کانون فرهنگی، تربیتی و ورزشی، اردوگاه دانش‌آموزی و مرکز مشاوره.

پ - مرکز آموزشی: واحدی که به منظور افزایش توان علمی و تخصصی و یا کسب مهارت‌های فنی و حرفه‌ای بدون ارائه مدرک تحصیلی رسمی فعالیت می‌کند، از قبیل آموزشگاه علمی آزاد، آموزشگاه زبان خارجی، آموزشگاه فنی و حرفه‌ای و کار و دانش.»

منظور از مدرسه در ماده ۱ بخشنامه، مدرسه غیردولتی موضوع قانون فوق است و به نظر می‌رسد منظور بخشنامه از عبارت غیره در ماده ۱، سایر مکان‌های ماده ۲ قانون فوق است که در بخشنامه به آن‌ها تصریح نشده مانند آموزشگاه فنی و حرفه‌ای و کار و دانش.

مکان‌هایی که در ماده ۱ بخشنامه به آن‌ها اشاره شده مرتبط با وزارت آموزش و پرورش و یا سازمان‌های تابعه آن است و مجوز فعالیت آن‌ها توسط آن وزارتخانه و یا سازمان مدارس و مراکز غیردولتی و توسعه مشارکت‌های مردمی و یا سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور صادر می‌شود (تبصره ماده ۲ و ماده ۳ قانون فوق) و همان‌طور که بیان شد دلیل ایجاد محدودیت نسبت به آن‌ها، ارتباطی است که راه‌اندازی و اداره و نظارت آن‌ها با مخاطبین ماده ۱ بخشنامه دارد.

۲.۲. مکان‌های غیرمرتبط با وزارت آموزش و پرورش

در ماده ۴ بخشنامه به کلیه پست‌های مدیریتی در هیئت‌مدیره، مدیریت عاملی و سایر مدیریت‌های اجرایی شرکت‌های دولتی و نهادهای عمومی غیردولتی و سازمان‌ها اعم از زیرمجموعه خود و زیرمجموعه سایر دستگاه‌ها اشاره شده است و در ماده ۷ بخشنامه به مؤسساتی که تمام یا قسمتی از سرمایه آن متعلق به دولت یا مؤسسات عمومی است و نمایندگی مجلس شورای اسلامی، وکالت دادگستری، مشاوره حقوقی و ریاست و مدیریت عامل یا عضویت در هیئت‌مدیره انواع شرکت‌های خصوصی اشاره شده است.

ممنوعیت این سمت‌ها و مکان‌هایی که در این دو ماده آمده است ویژه کارمندان وزارت آموزش و پرورش نیست و مطابق قاعده عمومی ممنوعیت (اصل ۱۴۱ قانون اساسی و ماده واحده ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل مصوب ۱۳۷۳) برای تمام کارکنان دولتی است. انواع شرکت‌های خصوصی در ماده ۲۰ قانون تجارت شمرده شده است. مطابق این ماده: «شرکت‌های تجارتي بر هفت قسم است: ۱. شرکت سهامی، ۲. شرکت با مسئولیت محدود، ۳. شرکت تضامنی، ۴. شرکت مختلط غیرسهامی، ۵. شرکت مختلط سهامی، ۶. شرکت نسبی و ۷. شرکت تعاونی تولید و مصرف.»

تعریف شرکت‌های دولتی و سازمان‌ها و نهادهای عمومی غیردولتی و سازمان‌های دولتی در مواد ۲ تا ۴ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶ آمده است. مطابق این مواد: «۲. مؤسسه دولتی: واحد سازمانی مشخصی است که به موجب قانون ایجاد شده یا می‌شود و با داشتن استقلال حقوقی، بخشی از وظایف و اموری را که بر عهده یکی از قوای سه‌گانه و سایر مراجع قانونی است انجام می‌دهد. کلیه سازمان‌هایی که در قانون اساسی نام‌برده شده است در حکم مؤسسه دولتی شناخته می‌شود. ۳. مؤسسه یا نهاد عمومی غیردولتی: واحد سازمانی مشخصی است که دارای استقلال حقوقی است و با تصویب مجلس شورای اسلامی ایجاد شده یا می‌شود و بیش از پنجاه درصد بودجه سالانه آن از محل منابع غیردولتی تأمین گردد و عهده‌دار وظایف و خدماتی است که جنبه عمومی دارد. ماده ۴. شرکت دولتی: بنگاه اقتصادی است که به موجب قانون برای انجام قسمتی از تصدی‌های دولت به موجب سیاست‌های کلی اصل چهارم قانون اساسی، ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری جزو وظایف دولت محسوب می‌گردد و بیش از پنجاه درصد سرمایه و سهام آن متعلق به دولت است. هر شرکت تجاری که از طریق سرمایه‌گذاری وزارتخانه‌ها، مؤسسات دولتی و شرکت‌های دولتی منفردا یا مشترکا ایجاد شده مادام که بیش از پنجاه درصد سهام آن منفردا یا مشترکا متعلق به واحدهای سازمانی فوق‌الذکر باشد شرکت دولتی است.»

مؤسساتی که تمام یا قسمتی از سرمایه آن متعلق به دولت یا مؤسسات عمومی است تعریف مشخصی در قوانین ندارد و مفهوم وسیعی دارد. با این وجود شامل شرکت‌هایی که سهم دولت در آن کمتر از ۵۰ درصد است نمی‌شود، چراکه عنوان موسسه شامل شرکت نمی‌شود. همچنین شامل مؤسساتی که از دولت یا مجلس در قوانین بودجه سالیانه کمک می‌گیرند ولی سرمایه آن موسسه متعلق به دولت نیست، نمی‌شود.

قبل از تصویب قانون مدیریت خدمات عمومی کشور، شرکت‌های دولتی و مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی مشمول تعریف مواد ۴ و ۵ قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱۳۶۶ بودند که در راستای اجرای تبصره ماده ۵ آن برای تعیین مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی، قانون فهرست نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی در سال ۱۳۷۳ تصویب شد. در قانون اخیر مؤسسات وابسته به این نهادها نیز نهادی عمومی و غیردولتی معرفی شدند. در تبصره قانون اخیر مؤسسات وابسته به نهادهای عمومی غیردولتی تعریف شده است. مطابق این تبصره: «مؤسسه وابسته از نظر این قانون واحد سازمانی مشخصی است که به صورتی غیر از شرکت و برای مقاصد غیر تجارتي و غیرانتفاعی توسط یک یا چند مؤسسه و نهاد عمومی غیردولتی تأسیس و اداره می‌شود و به نحوی مالکیت آن متعلق به یک یا چند مؤسسه یا نهاد عمومی غیردولتی باشد.»

با تصویب قانون مدیریت خدمات کشوری، ماده ۵ قانون محاسبات عمومی کشور در باب شناسایی نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی نسخ شده است^۱، اما در مورد نهادهای عمومی غیردولتی زمان خود، معیار شناسایی است بنابراین برای شناسایی مصادیق مؤسسات عمومی غیردولتی، گذشته از آنکه می‌توان به قانون فهرست نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی و نیز الحاقات اخیر آن مراجعه نمود^۲، بعد از تصویب قانون مدیریت خدمات کشوری، معیارهایی که

۱. با توجه به نظریه مشورتي اداره حقوقی قوه قضاییه به شماره ۷/۹۲/۲۵۴۵ مورخه ۱۳۹۲/۱۲/۲۸ تعریف نهادهای عمومی قانون مدیریت خدمات کشوری معتبر است و ماده ۵ قانون محاسبات عمومی و قانون فهرست نهادها نسخ شده است. نظریه بدین شرح است: «با توجه به اینکه قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶/۷/۸ وارد بر قوانین قبلی از جمله «قانون محاسبات عمومی کشور» مصوب ۱۳۶۶/۶/۱ با اصلاحات و الحاقات بعدی آن است و برابر ماده ۱۲۷ آن «کلیه قوانین و مقررات عام و خاص مغایر با این قانون از تاریخ لازم‌الاجرا شدن لغو گردیده است»، بنابراین مؤسساتی که مشمول تعریف مندرج در ماده ۳ باشند، گرچه در «قانون فهرست نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی» مصوب ۱۳۷۳/۴/۱۹ با اصلاحات و الحاقات بعدی آن نیامده باشند، «مؤسسه یا نهاد عمومی غیردولتی» تلقی خواهند شد؛ زیرا قانون اخیرالذکر (فهرست نهادها...) بر اساس تبصره ماده ۵ قانون محاسبات عمومی کشور تصویب شده است که با تعریف جدید مقرر در ماده ۳ قانون مدیریت خدمات کشوری اصولاً لزوم تصویب فهرست منتفی است.»

۲. مانند: قانون الحاق جهاد دانشگاهی به فهرست نهادها و مؤسسات غیردولتی (مصوب ۱۳۷۳)، قانون الحاق بنیاد امور بیماری‌های خاص به فهرست قانون فهرست نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی (مصوب ۱۳۷۳)، قانون الحاق سازمان دانش‌آموزی جمهوری اسلامی ایران به فهرست قانون فهرست نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی (مصوب ۱۳۷۳)، قانون الحاق صندوق بیمه اجتماعی روستاییان و عشایر به فهرست نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی (مصوب ۱۳۸۷) و یا الحاق صندوق تأمین خسارت‌های بدنی از طریق ماده واحده بودجه ۱۳۹۰.

قانون‌گذار در ماده ۳ قانون مدیریت خدمات کشوری، برای این مؤسسات مقرر نموده است ملاک شناسایی است. مهم‌ترین ویژگی‌های این نهادها را می‌توان در سه معیار زیر دسته‌بندی نمود:

نخست آنکه؛ این نهادها با تصویب مجلس شورای اسلامی تأسیس شده باشند. از این رو، مؤسساتی که با ابتکار بخش خصوصی ایجاد شده باشد را نمی‌توان در این رسته جای داد ولو آنکه فعالیت آن جنبه عمومی داشته باشد.

دوم آنکه؛ فعالیت این نهادها باید جنبه عمومی داشته باشد. هرچند این ماده در خصوص «جنبه عمومی وظایف» توضیح بیشتری نمی‌دهد؛ لیکن، به نظر می‌رسد که قانون‌گذار وظایفی را در نظر داشته است که منافع آن به عموم بازگردد. بر این اساس، شرکت‌های تصدی‌گرایانه را نباید در زمره این نهادها پنداشت چراکه نفع آن‌ها در بیشتر موارد از عایدی اشخاص حقوقی خواهد بود که تحت نظارت آن قرار دارند.

در نهایت، این نهادها باید مستقل باشند. استقلال این نهادها جنبه‌های گوناگونی دارد؛ باین حال، قانون‌گذار در ذیل ماده ۳ به استنباط مالی این نهادها اشاره و مقرر نموده است «بیش از پنجاه درصد (۵۰٪) بودجه سالانه آن از محل منابع غیردولتی تأمین گردد.»

مکان‌هایی که در بخشنامه به آن‌ها اشاره شده اگر بعد از قانون مدیریت خدمات عمومی کشور ایجاد شده باشند بر اساس این قانون شناسایی می‌شوند و اگر قبل از این قانون ایجاد شده باشند بر اساس قانون محاسبات عمومی کشور شناسایی می‌شوند.

۳. فعالیت‌های موضوع محدودیت

همان‌طور که در بخشنامه و قوانین مستند آن آمده است هرگونه فعالیت در مکان‌های بند قبل ممنوع نشده است، بلکه فعالیت‌های معینی در این مکان‌ها ممنوع شده است. فعالیت‌هایی که محدود شده است یا اخذ مجوز و اداره مکان خاصی است و یا انجام معامله مشخصی است و یا عضویت هم‌زمان در موقعیت شغلی معین دیگری است که در ادامه بررسی می‌شود.

۳.۱. اخذ مجوز و اداره مکان‌هایی خاص

در ماده ۱ بخشنامه به محدودیت صدور مجوز (اخذ مجوز) و اداره مدرسه یا مرکز آموزشی و پرورشی غیردولتی از قبیل آموزشگاه علمی آزاد، آموزشگاه زبان خارجی، مرکز مشاوره، کانون فرهنگی و تربیتی و... اشاره شده است. مخاطبان این ماده از اخذ مجوز مکان‌های فوق و اداره آن‌ها ممنوع هستند. به عبارتی یکی از شرایط اخذ مجوز و اداره مکان‌های فوق این است که متقاضی، عضو هیچ‌یک از شوراهای نظارت نباشد. به نظر می‌رسد منظور از اداره در این ماده، مدیریت مکان‌های فوق به معنای مصطلح کلمه که در مورد مدیران داخلی این مکان‌ها بکار می‌رود، نیست بلکه همان مدیریت کلی مکان‌ها توسط صاحب مجوز است. این تفسیر با الزامات پایانی ماده ۱ که مخاطب بین استرداد جواز و استعفا مخیر شده است همخوانی دارد. بنابراین تنها اخذ مجوز و تأسیس مکان‌های فوق و ممنوع شده است والا فعالیت‌های دیگر مانند اداره داخلی آن‌ها و تدریس در مکان‌های فوق موضوع محدودیت بخشنامه نیست. همچنین مطابق تبصره ذیل ماده ۱ ممنوعیتی در اخذ موافقت‌نامه اصولی تأسیس مکان‌ها نیست.

شرایط متقاضیان اخذ مجوز مکان‌های فوق در ماده ۸ قانون تأسیس و اداره مدارس و مراکز آموزشی و پرورشی غیردولتی مصوب ۱۳۹۵ آماده است. مطابق این ماده: «متقاضیان تأسیس مدرسه یا مرکز آموزشی و پرورشی غیردولتی باید واجد شرایط زیر باشند: الف - تابعیت جمهوری اسلامی ایران ب - اعتقاد و التزام عملی به مبانی و احکام اسلام، ایمان و برخورداری از حسن شهرت پ - التزام عملی به قانون اساسی و ولایت فقیه - نداشتن وابستگی به رژیم گذشته یا گروهک‌های منحرف و غیرقانونی ث - نداشتن پیشینه کیفری مؤثر ج - حداقل مدرک کارشناسی یا معادل آن چ - حداقل سی سال سن ح - تأهل برای مردان.»

۲.۳. انجام معامله مشخص

در ابتدای ماده ۲ بخشنامه به انعقاد هرگونه قرارداد مربوط به اجرای طرح‌های پژوهشی و در انتهای ماده فوق، انعقاد هرگونه قرارداد تألیف، ترجمه کتب درسی و کمک‌آموزشی یا خرید اثر اشاره شده است. در ماده ۵ بخشنامه به انعقاد هرگونه قرارداد همکاری با مهندسين مشاور، از جمله صدور تأییدیه رعایت جوانب فنی و ایمنی ساختمان یا استحکام بنا، تهیه، نظارت و انطباق نقشه‌ها با نقشه‌های ارائه شده همانند مدارس دولتی یا هرگونه اظهار نظر فنی مورد نیاز در حدود و آیین‌نامه استقرار مدارس و مراکز غیردولتی اشاره شده است. در ماده ۶ بخشنامه نیز به انعقاد هرگونه قرارداد پیمانکاری، خرید خدمات آموزشی، قراردادهای حوزه فناوری، خرید کالا و تجهیزات و سایر قراردادهای اشاره شده است. مستند قانونی این محدودیت‌ها، قانون منع مداخله مقامات و کارکنان دولت در معاملات دولتی است. اگرچه در این قانون معاملاتی که ممنوع اعلام شده مشخص گردیده اما با توجه به اینکه این معاملات به صورت کلی بیان شده است، در بخشنامه صادره، معاملاتی که در حوزه آموزش و پرورش کاربرد بیشتری دارند و احتمال وجود تعارض منافع در آن بیشتر است و ارتباط نزدیک‌تری با مخاطبان بخشنامه دارد به صورت جزئی‌تر بیان شده است. در ادامه تحقیق، انطباق معاملات فوق با معاملات موضوع قانون فوق و ضمانت اجراهای اعلامی در بخشنامه بررسی می‌شود.

۳.۳. عضویت هم‌زمان در موقعیت شغلی معین دیگر

در ماده ۴ بخشنامه عضویت هم‌زمان مخاطبان این ماده در هیئت‌مدیره، مدیریت عاملی و سایر مدیریت‌های اجرایی مکان‌های اعلامی در این ماده ممنوع شده است. هیئت‌مدیره شرکت‌ها رکن تصمیم‌گیرنده و اداره‌کننده شرکت هستند و مدیرعامل با زوی اجرایی شرکت است که منتخب هیئت‌مدیره است. ترکیب اعضا و نحوه انتخاب انواع شرکت‌ها در قانون تجارت آمده است. به نظر می‌رسد منظور از مدیران اجرایی در ماده فوق ناظر به مدیران اجرایی نهادها و مؤسسات دولتی است. چراکه در این نهادها و مؤسسات، معمولاً هیئت‌مدیره وجود ندارد و رئیس یا مدیر اجرایی اول توسط بخش بالاتری در دولت یا به شیوه‌های دیگر در خود نهاد یا موسسه انتخاب می‌شود و نامبرده برای اداره مجموعه خود از مدیران اجرایی انتصابی خود در بخش‌های پایین‌تر استفاده می‌کند. مانند رئیس سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس کشور که به موجب ماده ۴ قانون تأسیس سازمان فوق توسط وزیر آموزش و پرورش تعیین می‌شود و بالاترین مدیر اجرایی سازمان محسوب می‌شود.

در ماده ۷ بخشنامه هر نوع شغل دولتی دیگر در مکان‌های اعلامی در این ماده ممنوع شده است. به موجب تبصره ۲ قانون ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل: «منظور از شغل عبارت است از وظایف مستمر مربوط به پست ثابت سازمانی، یا شغل و یا پستی که به‌طور تمام‌وقت انجام می‌شود.» شغل در ماده ۷ قانون استخدام کشوری مصوب ۱۳۴۵ نیز تعریف شده است: «شغل عبارت از مجموع وظایف و مسئولیت‌های مرتبط و مستمر و مشخصی است که از طرف سازمان امور اداری و استخدامی کشور به‌عنوان کار واحد شناخته شده باشد.» عبارت «پست ثابت سازمانی» که در تبصره ۲ فوق آمده است در ماده ۸ قانون استخدام کشوری تعریف شده است. مطابق این ماده: «پست ثابت سازمانی عبارت از محلی است که در سازمان وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی به‌طور مستمر برای یک شغل و ارجاع آن به یک مستخدم در نظر گرفته شده اعم از اینکه دارای متصدی یا بدون متصدی باشد.»^۱

با این تعاریف منظور از ممنوعیت شغل دولتی دیگر در ماده ۷ این است که مخاطبان ماده ۷ بخشنامه که کارمندان دولتی وزارت آموزش و پرورش هستند نمی‌توانند هم‌زمان شغل ثابت و سازمانی دیگری (اعم از رسمی و پیمانی) در مکان‌های اعلامی در این ماده داشته باشند. بدیهی است همکاری‌های دیگر که مخاطب را شاغل در این مکان‌ها معرفی نکند از شمول این ماده خارج است.

۴. تحلیل حقوقی مواد بخشنامه

در ابتدای بخشنامه، تضمین حقوق و منافع عمومی از سوی کارکنان و مدیران حوزه ستادی و سازمان‌های وابسته، ادارات کل آموزش و پرورش استان‌ها و مناطق، نواحی و شهرستان‌های تابع و پیشگیری از بروز هرگونه تعارض منافع، جانب‌داری، رفتار تبعیض‌آمیز و غرض‌ورزی در انجام وظایف قانونی و ارائه خدمات عمومی و همچنین پرهیز از نقض قوانین و مقررات کشور و ورود ضرر و زیان به اموال، منافع، منابع با سلامت اداری و امنیت عمومی، به‌عنوان مبانی و اهداف موردنظر بخشنامه برای مدیریت تعارض منافع بیان شده است و در این راستا به دو مستند قانونی اشاره شده است که شاهد مثالی برای مبانی بخشنامه هستند. علاوه بر مستندات قانونی فوق، در مواد مختلف بخشنامه با توجه به موضوع آن بند، مستندات قانونی مستقلی نیز بیان شده است. در ادامه با توجه به مستندات قانونی بخشنامه، مفاد هریک از مواد بخشنامه از منظر حقوقی تحلیل می‌شود.

۴.۱. ماده یکم

الف. در این ماده برای اعضای حقوقی و حقیقی شوراهای نظارت محدودیت ایجاد شده است، تا بین تأسیس و مدیریت مدرسه و مراکز آموزشی و پرورشی یا عضویت در شوراهای نظارت یکی را انتخاب کنند. در این ماده مستند قانونی مشخصی اعلام نشده است و باید گفت با توجه به قاعده سلسله‌مراتب قوانین، هرگونه محدودیت برای فعالیت اشخاص نیازمند تصریح در قانون است و مقرراتی دولتی (مصوبات هیئت‌وزیران و یا وزرا) نمی‌تواند محدودیت جدیدی را مقرر

۱. برای آشنایی بیشتر با انواع مشاغل و دسته‌بندی‌های آن ر.ک. موسی زاده، رضا، حقوق اداری، بنیاد حقوقی میزان، چاپ نوزدهم، تهران، زمستان ۱۳۹۸، ص. ۱۹۹؛ امامی و استوار سنگری، حقوق اداری، بنیاد حقوقی میزان، چاپ بیست و چهارم، تهران، پاییز ۱۳۹۸، ص. ۲۱۴

نمایند. در اصل ۱۴۱ قانون اساسی تنها جمع بین شغل دولتی و « ریاست و مدیریت عامل یا عضویت در هیئت‌مدیره انواع مختلف شرکت‌های خصوصی» منع شده و اشتغال به سایر مشاغل خصوصی امکان‌پذیر دانسته شده است.^۱ از این رو، با توجه به اینکه در قانون تأسیس و اداره مدارس و مراکز آموزشی و پرورشی غیردولتی مصوب ۱۳۹۵، اعضای هیئت نظارت از تأسیس و مدیریت این مدارس منع نشده‌اند به‌ویژه آنکه به‌موجب نظریه شماره ۱۱۸ مورخ ۱۳۶۸/۲/۱۹ شورای محترم نگهبان^۲ عضویت کارکنان اداری در هیئت‌امنای مدارس غیرانتفاعی مغایر با اصل ۱۴۱ قانون اساسی شناخته‌نشده و مطابق ماده ۱۰ قانون تأسیس و اداره مدارس و مراکز آموزشی و پرورشی غیردولتی مصوب سال ۱۳۹۵ که به پرداخت وام به کارکنان دولتی دارای سابقه آموزشی اشاره کرده^۳ و تبصره ۲ ماده ۲۲ قانون فوق که مفهوم مدیریت مدارس توسط کارکنان آموزش و پرورش را مجاز می‌داند^۴، به نظر می‌رسد ممنوعیت قانونی برای فعالیت هم‌زمان در دو موقعیت فوق وجود ندارد و به همین دلیل نیز وزیر هم‌زمانی آن‌ها را قانوناً ممنوع اعلام نکرده است بلکه با توجه به مبانی و اهدافی که در مقدمه بخشنامه به آن‌ها اشاره کرده است جهت مدیریت تعارض منافع، با استفاده از اختیارات خود اعضای شوراها را مکلف کرده است تا فعالیت در مرکز غیردولتی را متوقف کنند و یا در مورد اشخاص حقوقی شوراها، از تصدی پست اجرایی استعفا و در مورد اشخاص حقیقی شوراها، از عضویت در شوراها مذکور انصراف دهند.

در مورد اعضای حقوقی شوراها فوق با توجه به اینکه این اعضا تماماً از مدیران وزارت آموزش و پرورش هستند و عملاً عزل و نصب آنان از اختیارات وزیر است بنابراین وزیر می‌تواند در راستای اختیارات خود، شرایطی را برای تصدی و ادامه آن‌ها اعلام نماید که در صورت نداشتن آن شرایط، از سمت خود کنار گذاشته شوند.

با توجه به اینکه مطابق ماده ۴ قانون فوق، در ترکیب اعضای شوراها فوق، دو نفر از مؤسسان مدارس غیردولتی نیز حضور دارند اجرای این بخشنامه در مورد آنان تکلیف مالایطاق است چراکه از یک طرف به‌موجب قانون باید دو نفر مؤسس در شوراها باشند و از طرفی به‌موجب بخشنامه وزیر فعالیت هم‌زمان محدود شده است. با توجه به اینکه مؤسسان فوق در شوراها حق رأی ندارند شاید بتوان گفت محدودیت بخشنامه مربوط به اعضای است که حق رأی دارند و در

۱. ابوالحمد، عبدالحمید؛ (۱۳۸۸) حقوق اداری ایران، جلد دوم، چاپ هشتم، انتشارات توس.

۲. « عضویت وزرا و کارمندان دولت در هیئت امناء و مؤسسات خصوصی و یا دولتی (از جمله عضویت در هیئت‌امنای دانشگاه‌ها و مدارس غیرانتفاعی) به لحاظ اینکه سمت‌های مذکور، شغل سازمانی تلقی نمی‌گردد مغایرتی با اصل ۱۴۱ قانون اساسی ندارد.»

۳. ماده ۱۰- بانک‌های کشور موظف‌اند طبق قانون عملیات بانکی بدون ربا با معرفی وزارت آموزش و پرورش از سی و پنج درصد (۳۵٪) تا پنجاه درصد (۵۰٪) نیاز مالی مؤسسات مدارس و مراکز آموزشی و پرورشی غیردولتی را که از کارکنان دولت و دارای سابقه آموزشی می‌باشند جهت تهیه و یا توسعه فضای آموزشی و پرورشی و تأمین تجهیزات و امکانات مورد نیاز به‌صورت قرض الحسنه و برای سایر اشخاص از دیگر منابع اعتبارات بانکی تأمین کنند.

۴. تبصره ۲- در صورتی که مدیر پیشنهادی، مستخدم رسمی آموزش و پرورش نباشد، تأیید صلاحیت او توسط گزینش وزارت آموزش و پرورش الزامی است.

اعمال این حق و منافع آنان در خارج از اداره تعارض منافع به وجود می‌آید. در هر حال اطلاق محدودیت برای تمام اعضای شوراها محل تأمل است.

در مورد اشخاص حقیقی شوراهای فوق که مطابق ماده ۷ قانون فوق به مدت چهار سال انتخاب می‌شوند اگر این اشخاص کارمند دولت نباشند با توجه به اینکه بین هم‌زمانی فعالیت‌های فوق قانونا منعی وجود ندارد و آنان دارای سمت اجرایی در وزارت آموزش و پرورش نیز نیستند، بخشنامه وزیر نمی‌تواند برای آنان محدودیت ایجاد کند و نامبرندگان می‌توانند تا پایان مدت ۴ سال به فعالیت هم‌زمان خود ادامه دهند. اما برای انتخاب مجدد، با توجه به اینکه احکام جدید آنان توسط وزیر و یا رئیس «سازمان مدارس و مراکز غیردولتی و توسعه مشارکت‌های مردمی» صادر می‌شود (ماده ۷ قانون تأسیس مدارس غیردولتی)، وزیر می‌تواند شرط صدور حکم را عدم فعالیت هم‌زمان قرار داده و از این راه محدودیت ماده ۱ بخشنامه را اعمال کند. البته از آنجاکه شرایط قانونی اعضا در قانون فوق بیان شده اضافه کردن یک شرط دیگر توسط وزیر و منوط کردن حکم عضو حقیقی که منتخب نهاد دیگری مانند کمیسیون آموزش مجلس و یا شورای عالی انقلاب فرهنگی است، محل تأمل است.

ب. این سؤال مطرح است آیا فعالیت مخاطبین ماده ۱ بخشنامه در مکان‌های اعلامی در آن ماده مشمول قانون منع تصدی بیش از یک شغل می‌شوند یا خیر. مطابق تبصره ۴ قانون فوق: «تصدی هر نوع شغل دولتی دیگر در مؤسساتی که تمام یا قسمتی از سرمایه آن متعلق به دولت و یا مؤسسات عمومی است و نمایندگی مجلس شورای اسلامی، وکالت دادگستری، مشاوره حقوقی و ریاست و مدیریت عامل یا عضویت در هیئت‌مدیره انواع شرکت‌های خصوصی جز شرکت‌های تعاونی ادارات و مؤسسات برای کارکنان دولت ممنوع است.»

این ماده مربوط به تصدی یک شغل دیگر علاوه بر شغل دولتی مخاطب است که در تبصره ۲ قانون فوق، شغل چنین تعریف شده است: «منظور از شغل عبارت است از وظایف مستمر مربوط به پست ثابت سازمانی، یا شغل و یا پستی که به‌طور تمام‌وقت انجام می‌شود.» بر این اساس داشتن جواز مکان‌های ماده ۱ بخشنامه، یک شغل دیگر محسوب نمی‌شود و اشخاصی که صرفاً جواز فعالیت دارند از شمول ممنوعیت قانون فوق خارج هستند.

اما از آنجاکه در ماده ۱ بخشنامه، در کنار داشتن مجوز، به اداره مکان‌های ماده فوق اشاره شده است، این ابهام به وجود می‌آید که صاحبان جواز تأسیس، به اعتبار مدیریت مجموعه خود، مشمول قانون فوق می‌شوند یا خیر. در این حالت اگر فعالیت صاحبان جواز در مدیریت مجموعه خود را یک شغل تعریف کنیم از آنجاکه قانون فوق برای کارمندان دولت تصدی شغل دیگر را ممنوع اعلام کرده است، اشخاص حقیقی شوراهای نظارت که کارمند دولت نیستند، از شمول قانون فوق خارج هستند ولی در مورد اشخاص حقیقی شوراهای نظارت که کارمندان دولت هستند و در مورد اشخاص حقوقی شوراها که لزوماً کارمند دولت هستند، از آنجاکه مطابق تبصره ۹ قانون ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل، کلیه ارگان‌هایی که به نحوی از بودجه عمومی استفاده می‌نمایند مشمول این قانون هستند و مطابق ماده ۱۳ قانون تأسیس و اداره مدارس و مراکز آموزشی و پرورشی غیردولتی مصوب سال ۱۳۹۵، مدارس غیردولتی نیز به نحوی از بودجه

عمومی استفاده می‌کنند^۱ ابتدا می‌توان این برداشت را داشت که اشتغال هم‌زمان این اشخاص در مدارس غیردولتی ممنوع است. مضافاً اینکه مبنای تبصره ۴ قانون ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل و اهداف وضع آن به‌ویژه در مورد شرکت‌های خصوصی با مبانی و اهداف بند ۱ بخشنامه همخوانی دارد و چه‌بسا تعارض منافع در بند ۱ بخشنامه مزید بر علت باشد. ولی این برداشت از قانون از جهاتی محل تأمل بوده و قابل قبول نیست. اطلاق عنوان ارگان، به مدارس غیردولتی سخت است و اینکه استفاده مدارس غیردولتی از بودجه عمومی الزام‌آور نیست و شخص مخاطب می‌تواند از دریافت کمک دولتی امتناع و به تبع آن از محدودیت موضوع بخشنامه خارج شود. و درنهایت اینکه آنچه در ماده ۴ قانون فوق ممنوع شده است تصدی یک شغل دولتی دیگر در مکان‌های اعلامی در ماده بخشنامه است نه صرف داشتن شغل در حالی که با توجه به تعریف شغل در ماده ۲ قانون فوق و مواد ۷ و ۸ قانون استخدام کشوری در تعریف شغل و پست سازمانی، اگر مدیریت مدارس غیردولتی را بتوان یک شغل دانست، نمی‌توان یک شغل دولتی تلقی کرد.

اگر مخاطبین ماده ۱ بخشنامه که کارمند دولت هستند، مطابق ماده ۲ قانون تأسیس و اداره مدارس و مراکز آموزشی و پرورشی غیردولتی و در قالب یک شرکت خصوصی درخواست مجوز بدهند، شرکت خصوصی آنان مشمول تبصره ۴ قانون ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل می‌شود و نامبردگان نمی‌توانند در هیئت‌مدیره آن عضویت داشته باشند.

ج. مکان‌های اعلامی در ماده ۱ بخشنامه مشمول عنوان شرکت‌های خصوصی و شرکت‌های دولتی و یا نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی و مؤسساتی که تمام یا قسمتی از سرمایه آن متعلق به دولت یا مؤسسات عمومی است نیست بنابراین اصل ۱۴۱ قانون اساسی و جز (۲) بند (ه) تبصره ۲ قانون بودجه سال ۱۳۹۹ کل کشور و تبصره ۲ الحاقی ماده ۲۴۱ قانون تجارت اصلاحی سال ۱۳۹۵ نمی‌تواند مستند قانونی محدودیت ماده فوق قرار بگیرند.

در مورد مدارس غیردولتی این مسئله مطرح است که آیا نمی‌توان آن‌ها را یک نهاد عمومی غیردولتی دانست و مشمول محدودیت‌های قوانین فوق دانست؟ همان‌طور که در تعریف این نهادها در بالا آمد، نهادهای عمومی غیردولتی بعد از قانون مدیریت خدمات عمومی کشور مصوب ۱۳۸۶، مشمول ماده ۳ این قانون هستند. مطابق این ماده: «مؤسسه یا نهاد عمومی غیردولتی: واحد سازمانی مشخصی است که دارای استقلال حقوقی است و با تصویب مجلس شورای اسلامی ایجاد شده یا می‌شود و بیش از پنجاه درصد (۵۰٪) بودجه سالانه آن از محل منابع غیردولتی تأمین گردد و عهده‌دار وظایف و خدماتی است که جنبه عمومی دارد.» با توجه به این تعریف اگرچه مدارس غیردولتی عهده‌دار خدماتی هستند که جنبه عمومی دارد و مطابق ماده ۱۳ قانون تأسیس آن‌ها مصوب ۱۳۹۵، بیش از ۵۰ درصد بودجه

۱. مطابق این ماده: «به‌منظور حمایت از مؤسسان مدارس غیردولتی با اولویت مناطق محروم، وزارت آموزش و پرورش موظف است با مشارکت مؤسسان و بخش غیردولتی، «صندوق حمایت از توسعه مدارس غیردولتی» را به صورت مؤسسه عمومی غیردولتی ایجاد کند. دولت موظف است هر ساله و تا سقف پنجاه درصد (۵۰٪) از قیمت تمام‌شده سرانه سالانه دانش‌آموزی در بخش دولتی را به ازای کل دانش‌آموزان شاغل به تحصیل در مدارس غیردولتی در قالب کمک در لایحه بودجه سالانه کل کشور پیش‌بینی کند.»



آن‌ها از محل منابع غیردولتی تأمین می‌گردد با این وجود نمی‌توان این مدارس را مشمول ماده ۳ فوق دانست چراکه یکی از شرایط شناسایی نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی این است که توسط قانون به وجود آمده باشند در حالی که مدارس غیردولتی با تصویب قانون ایجاد نمی‌شوند. در واقع تنها «سازمان مدارس و مراکز غیردولتی و توسعه مشارکت‌های مردمی» است که به موجب ماده ۱ قانون تأسیس مدارس غیردولتی مصوب ۱۳۹۵ با تصویب مجلس شورای اسلامی به وجود آمده است ولی تأسیس هر یک از مدارس غیردولتی با تصویب مجلس و به موجب قانون نیست بلکه مجلس زمینه تأسیس آن‌ها را برابر مقررات فراهم کرده است تا هر مدرسه با طی تشریفات قانون مقرر در قانون تأسیس آن‌ها ایجاد شود.

در مورد نهادهای عمومی غیردولتی قبل از قانون مدیریت خدمات عمومی کشور مصوب ۱۳۸۶، همان‌طور که در بالا آمد این نهادها مشمول تعریف ماده ۵ قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱۳۶۶ بودند که در راستای اجرای تبصره ماده ۵ آن برای تعیین مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی، قانون فهرست نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی در سال ۱۳۷۳ تصویب شد. مدارس غیردولتی در این فهرست قرار ندارند و لذا نمی‌توان مدارس غیردولتی را قبل از قانون مدیریت خدمات کشوری نیز نهادی عمومی غیردولتی دانست اما با توجه به اینکه در تبصره قانون فهرست نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی، مؤسسات وابسته به نهادهای عمومی غیردولتی چنین تعریف شده است: «مؤسسه وابسته از نظر این قانون واحد سازمانی مشخصی است که به صورتی غیر از شرکت و برای مقاصد غیر تجارتي و غیرانتفاعی توسط یک یا چند مؤسسه و نهاد عمومی غیردولتی تأسیس و اداره می‌شود و به نحوی مالکیت آن متعلق به یک یا چند مؤسسه یا نهاد عمومی غیردولتی باشد.» بنابراین چنانچه نهادهایی که قبل از قانون مدیریت خدمات کشوری، شکل گرفته‌اند اقدام به تأسیس مدرسه کنند و چنانچه مدرسه را مشمول عنوان موسسه وابسته در تبصره قانون اخیر بدانیم، مدرسه فوق یک نهاد عمومی غیردولتی تلقی می‌شود که عضویت کارکنان وزارت آموزش و پرورش که در آن‌ها به‌عنوان مدیر اجرایی ممنوع است. البته به‌عنوان مؤسس فاقد ایراد است.

۲.۴. مواد دوم، پنجم و ششم

در این مواد به استناد قانون «راجع به منع مداخله وزرا و نمایندگان مجلسین و کارمندان در معاملات دولتی و کشوری - مصوب ۲ دی ماه ۱۳۳۷» بعضی معاملات ممنوع اعلام شده است. مطابق ماده ۱ این قانون: «... ۳. کارمندان و صاحب‌منصبان کشوری و لشگری و شهرداری‌ها و دستگاه‌های وابسته به آن‌ها. ۴. کارکنان هر سازمان یا بنگاه یا شرکت یا بانک یا هر مؤسسه دیگر که اکثریت سهام یا اکثریت منافع یا مدیریت یا اداره کردن یا نظارت آن متعلق به دولت و یا شهرداری‌ها و یا دستگاه‌های وابسته به آن‌ها باشد. ۵. اشخاصی که به نحوی از انحاء از خزانه دولت یا مجلسین یا مؤسسات مذکور در بالا حقوق یا مقرری یا حق الزحمه یا پاداش و یا امثال آن به‌طور مستمر (به‌استثناء حقوق بازنشستگی و وظیفه و مستمری قانونی) دریافت می‌دارند. ۶. مدیران و کارکنان بنگاه‌های خیریه‌ای که از دولت یا از شهرداری‌ها کمک مستمر دریافت می‌دارند... نمی‌تواند (اعم از اینکه در مقابل خدمتی که انجام می‌دهند حقوق یا مالی دریافت دارند یا آنکه خدمت را به‌طور افتخاری و رایگان انجام دهند) در معاملات یا داوری در دعاوی با دولت یا مجلسین یا شهرداری‌ها یا دستگاه‌های وابسته به آن‌ها و یا مؤسسات مذکور در بند ۴ و ۶ این ماده شرکت نمایند اعم از

این که دعاوی مزبور در مراجع قانونی مطرح شده یا نشده باشد (به استثنای معاملاتی که قبل از تصویب این قانون قرارداد آن منعقد شده باشد...)»

در ادامه ماده فوق آمده است: «... منظور از معاملات مندرج در این ماده عبارت است از: ۱. مقاطعه کاری (به استثنای معاملات محصولات کشاورزی ولو اینکه از طریق مقاطعه انجام شود ۲. حق العمل کاری ۳. اکتشاف و استخراج و بهره برداری (به استثنای معادن طبقه اول مندرج در قانون معادن و همچنین نمک طعام که معادن مذکور در ملک شخصی آن ها واقع است). ۴. قرارداد نقشه برداری و قرارداد نقشه کشی و نظارت در اجرای آن. ۵. قرارداد مطالعات و مشاورات فنی و مالی و حقوقی. ۶. شرکت در مزایده و مناقصه. ۷. خرید و فروش هایی که باید طبق قانون محاسبات عمومی با مناقصه و یا مزایده انجام شود هر چند به موجب قوانین دیگر از مناقصه و مزایده استثناء شده باشد...»

با توجه به اشخاصی که در ماده فوق آمده اند و معاملاتی که ممنوع شده است، باید بررسی شود اشخاص و معاملاتی که در مواد ۲، ۵ و ۶ بخشنامه موضوع محدودیت قرار گرفته اند مشمول این ماده می شوند یا خیر. مخاطبان مواد ۲، ۵ و ۶ بخشنامه در بالا مورد شناسایی قرار گرفتند. مخاطبان مواد ۲ و ۶ بخشنامه کارمندان دولت هستند بنابراین مشمول بند ۳ ماده ۱ قانون فوق هستند. در مورد مهندسان مشاور مخاطب ماده ۵ بخشنامه چنانچه کارمند سازمان نوسازی هستند مشمول بند ۳ فوق هستند و چنانچه کارمند رسمی و یا پیمانی نیستند و به صورت قراردادی همکاری داشته باشند و دریافتی مستمر از سازمان فوق داشته باشند با توجه به بند ۵ ماده ۱ قانون فوق می توان آن ها را مشمول قانون فوق دانست اما از آنجاکه این مهندسان کارمند دولت نیستند و به دلیل موقت بودن قرارداد آنان با سازمان نوسازی، اطلاق عنوان دریافت کننده حقوق مستمر در مورد آنان محل تأمل است به ویژه اینکه با توجه به اینکه قانون فوق از قوانین کیفری است و برای متخلف مجازات حبس تعیین شده است و مطابق اصول تفسیر مقررات کیفری باید از آن تفسیر مضیق انجام شود نمی توان این مهندسان که دارای قرارداد موقت هستند و هر زمان امکان قطع رابطه آنان با سازمان دولتی وجود دارد را مشمول قانون فوق دانست.

قرارداد مربوط به اجرای طرح های پژوهشی و انعقاد هرگونه قرارداد تألیف، ترجمه کتب درسی و کمک آموزشی در ماده ۲ بخشنامه مشمول عنوان قراردادهای مطالعات موضوع بند ۵ تبصره ۳ ماده ۱ قانون فوق است و انعقاد آن با آن با مخاطبان ماده بخشنامه به شرحی که در پاراگراف فوق بیان شد ممنوع است. قرارداد مربوط به تألیف و ترجمه زمانی ممنوع است که در قالب طرح پژوهشی باشد و الا اگر قرارداد به گونه ای باشد که مخاطب اثری را تولید و متعاقباً توافق به فروش آن شده باشد قرارداد مشمول عنوان قرارداد مطالعات نیست و مشمول عنوان قرارداد خرید اثر است که در انتهای ماده بخشنامه ممنوع شده است.

در مورد قسمت پایانی ماده ۲ بخشنامه که خرید اثر از کارکنان ممنوع شده است این ممنوعیت مشمول بند ۷ تبصره ۳ ماده ۱ قانون فوق است بنابراین ممنوعیت آن محدود به خرید و فروش هایی است که باید طبق قانون محاسبات عمومی با مناقصه و یا مزایده انجام شود.

مطابق ماده ۷۹ قانون محاسبات عمومی: « معاملات وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی اعم از خرید و فروش و اجاره و استیجاری و پیمانکاری و اجرت کار و غیره (به استثناء مواردی که مشمول مقررات استخدامی می‌شود) باید حسب مورد از طریق مناقصه یا مزایده انجام شود مگر در موارد زیر:

۱- در مورد معاملاتی که طرف معامله وزارتخانه یا مؤسسه دولتی و یا شرکت دولتی باشد.

۲- در مورد معاملاتی که انجام آن‌ها به تشخیص و مسئولیت بالاترین مقام دستگاه اجرایی در مرکز و یا استان و یا مقامات مجاز از طرف آن‌ها با نهادهای و مؤسسات و شرکت‌های مشروحه زیر:

الف- مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی و مؤسسات تابعه که بیش از پنجاه درصد سهام و یا سرمایه و یا مالکیت آن‌ها متعلق به مؤسسات و نهادهای مذکور باشد.

ب- شرکت‌های تعاونی مصرف و توزیع کارکنان وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و شرکت‌های دولتی که بر اساس قوانین و مقررات ناظر بر شرکت‌های تعاونی تشکیل و اداره می‌شوند.

ج- شرکت‌ها و مؤسسات تعاونی تولید و توزیع که تحت نظارت مستقیم دولت تشکیل و اداره می‌گردند که مقرون به صرفه صلاح دولت باشد.

۳- در مورد خرید اموال و خدمات و حقوقی که به تشخیص و مسئولیت وزیر و یا بالاترین مقام دستگاه اجرایی در مرکز و یا استان و یا مقامات مجاز از طرف آن‌ها منحصر به فرد بوده و دارای انواع مشابه نباشد.»^۱

مطابق این ماده (و تفسیری که از ماده ۲۹ قانون برگزاری مناقصات در پاورقی صفحه قبل انجام شد)، خرید آثار کارمندان وزارت آموزش و پرورش و سازمان‌های تابعه که نوعاً منحصر هم هستند و خرید خدمات مشاوره‌ای مهندسان

۱. مطابق ماده ۲۹ قانون برگزاری مناقصات (مصوب ۱۳۸۳) دستگاه‌های دولتی در موارد نه‌گانه این ماده می‌توانند مناقصه برگزار نکنند. از جمله این موارد بندهای «الف»، «ج»، «ه»، «و» است. مطابق این بندها: « الف - خرید اموال منقول، خدمات و حقوقی که به تشخیص و مسؤلیت وزیر یا بالاترین مقام دستگاه اجرائی در مرکز و یا استان و یا مقامات مجاز از طرف آن‌ها منحصر به فرد (انحصاری) بوده و دارای انواع مشابه نباشد... ج - خرید اموال منقول و غیرمنقول، کالا و خدمات با قیمت تعیین شده یا کمتر یا حقوقی که نرخ‌های آن‌ها از طرف مراجع قانونی ذیصلاح تعیین شده باشد... ه - خرید خدمات مشاوره اعم از مهندسی مشاور و مشاوره فنی بازرگانی مشتمل بر مطالعه، طراحی و یا مدیریت بر طرح و اجرا و نظارت و یا هر نوع خدمات مشاوره‌ای و کارشناسی... و - خدمات فرهنگی و هنری، آموزشی و ورزشی و نظایر آن به تشخیص و مسؤلیت وزیر یا بالاترین مقام دستگاه اجرائی که امکان برگزاری مناقصه مقدور نباشد با رعایت صرفه و صلاح کشور.» مطابق این ماده نمی‌توان کارمندان دولت را مجاز به معامله با مؤسسات دولتی دانست چراکه مطابق بند ۷ تبصره ۳ ماده ۱ قانون منع مداخله در معاملات دولتی، خرید و فروش‌هایی که باید طبق قانون محاسبات عمومی با مناقصه و یا مزایده انجام شود ممنوع شده است. هر چند به موجب قوانین دیگر (که می‌تواند شامل قانون برگزاری مناقصات نیز شود) از مناقصه و مزایده استثناء شده باشد. البته این دیدگاه که قانون برگزاری مناقصات بعد از قانون منع مداخله تصویب شده است و لذا مشمول عبارت پایانی بند ۷ فوق نمی‌شود، نیز قابل دفاع است، چراکه در زمان تصویب قانون فوق مصادیق ماده ۲۹ وجود نداشتند. تفسیر مضیق قوانین کیفری نیز این تفسیر را تقویت می‌کند و حتی می‌توان ادعا کرد ماده ۲۹ فوق به‌عنوان قواعد عمومی استثنائات معاملات مشمول مناقصات، در خصوص مناقصات، تکمیل‌کننده استثنائات ماده ۷۹ قانون محاسبات عمومی است و به آن اضافه می‌شود.

با اجازه وزیر و یا بالاترین مسئول اجرایی استان و یا رئیس سازمان مربوطه ممکن است. با ابلاغ بخشنامه وزیر به عنوان بالاترین مقام وزارتخانه، دیگر این امکان وجود ندارد تا وزارت آموزش و پرورش و بخش‌های استانی و شهرستانی آن با کارمندان خود قرارداد خرید اثر و خرید مشاوره منعقد کنند. در مورد سازمان‌های تابعه وزارت آموزش و پرورش اگرچه این سازمان‌ها وابسته به وزارت فوق هستند اما رئیس این سازمان‌ها مشمول عنوان بالاترین مقام اجرایی بند ۳ ماده ۷۹ هستند و بخشنامه وزیر به صورت مستقیم نمی‌تواند برای این سازمان‌ها محدودیت ایجاد کند مگر اینکه رئیس سازمان پیرو بخشنامه وزیر محدودیت فوق را برای سازمان ایجاد کند.

۳.۴. ماده سوم

وزیر در ماده ۳ بخشنامه، ایجاد هرگونه موقعیتی که زمینه‌ساز توزیع و فروش اجباری کتب کمک‌آموزشی فاقد تأییدیه و اعتباربخشی شده از سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی به دانش‌آموزان یا اولیای آنان از طریق مدارس گردد غیرقانونی اعلام کرده است. مستند قانونی این ماده بیان نشده است و نمی‌توان آن را به قانون منع مداخله کارکنان دولت در معاملات دولتی و قانون ارتقا سلامت نظام اداری و مقابله با فساد که در صدر بخشنامه به آن‌ها اشاره شده است مستند کرد. با این وجود از آنجا که فروش اجباری کتب به دانش‌آموزان و اولیای آنان مطابق قواعد عمومی معاملات ممنوع است به‌ویژه اینکه وقتی از اضطرار و نیاز دانش‌آموزان و اولیای آنان برای تحصیل فرزندان آنان در مدارس دولتی سوءاستفاده شود و زمینه فروش اجباری کتب فراهم شود این فروش فاقد اعتبار است و به تبع آن زمینه‌سازی برای آن نیز فاقد وجهت قانونی است بنابراین ممنوعیت ماده ۳ بخشنامه وزیر به عنوان بالاترین مقام اجرایی وزارتخانه برای بخش‌های مختلف وزارتخانه لازم‌الاجراست.

۴.۴. مواد چهارم و هفتم

مطابق ماده ۴ بخشنامه عضویت هم‌زمان معاونان و مدیران دستگاه و همچنین کارکنان شاغل در کلیه پست‌های مدیریتی در هیئت‌مدیره، مدیریت عاملی و سایر مدیریت‌های اجرایی شرکت‌های دولتی و نهادهای عمومی غیردولتی و سازمان‌ها اعم از زیرمجموعه خود و زیرمجموعه سایر دستگاه‌ها به استثناء عضویت نمایندگان حقوقی دستگاه ممنوع است، افراد مشمول موظف‌اند در اسرع وقت انصراف خود را از عضویت در آن شرکت‌ها و نهادهای عمومی غیردولتی و سازمان‌ها اعلام نمایند.

در ماده ۷ بخشنامه آمده است هر شخص می‌تواند تنها یک شغل دولتی را عهده‌دار شود هر نوع شغل دولتی دیگر در مؤسساتی که تمام یا قسمتی از سرمایه آن متعلق به دولت یا مؤسسات عمومی است و نمایندگی مجلس شورای اسلامی، وکالت دادگستری، مشاوره حقوقی و ریاست و مدیریت عامل یا عضویت در هیئت‌مدیره انواع شرکت‌های خصوصی جز شرکت‌های تعاونی ادارات و مؤسسات برای کارکنان دولت ممنوع است و با افراد مشمول قانون ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل (مصوب ۱۱ دی‌ماه ۱۳۷۳ مجلس شورای اسلامی با الحاق بعدی) در چارچوب قانون و ضمانت اجرایی پیش‌بینی شده در آن قانون رفتار خواهد شد.

مستندات قانونی دو ماده فوق، اصل ۱۴۱ قانون اساسی و جز (۲) بند (ه) تبصره ۲ قانون بودجه سال ۱۳۹۹ کل کشور و تبصره ۲ الحاقی ماده ۲۴۱ قانون تجارت اصلاحی سال ۱۳۹۵ و قانون ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل مصوب ۱۱ دی ماه ۱۳۷۳ مجلس شورای اسلامی است.

مطابق اصل ۱۴۱ قانون اساسی: « رئیس جمهور، معاونان رئیس جمهور، وزیران و کارمندان دولت نمی توانند بیش از یک شغل دولتی داشته باشند و داشتن هر نوع شغل دیگر در مؤسساتی که تمام یا قسمتی از سرمایه آن متعلق به دولت یا مؤسسات عمومی است و نمایندگی مجلس شورای اسلامی و وکالت دادگستری و مشاوره حقوقی و نیز ریاست و مدیریت عامل یا عضویت در هیئت مدیره انواع مختلف شرکت های خصوصی، جز شرکت های تعاونی ادارات و مؤسسات برای آنان ممنوع است. سمت های آموزشی در دانشگاه ها و مؤسسات تحقیقاتی از این، حکم مستثنی است.»

مطابق جز ۲ بند (ه) تبصره ۲ قانون بودجه ۱۳۹۹: « عضویت هم زمان مقامات موضوع ماده (۷۱) قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۸/۷/۱۳۸۶^۱ و معاونان و مدیران دستگاه های اجرائی موضوع ماده (۵)^۲ قانون مدیریت خدمات کشوری و ماده (۵)^۳ قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱/۶/۱۳۶۶ و همچنین کارکنان شاغل در کلیه پست های مدیریتی در هیئت مدیره، مدیریت عاملی و سایر مدیریت های اجرائی شرکت های دولتی و نهادهای عمومی غیردولتی و سازمان ها اعم از زیرمجموعه خود و زیرمجموعه سایر دستگاه ها ممنوع است. سازمان ها و شرکت های دولتی و سازمان ها و شرکت های وابسته به مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی و شهرداری ها که به موجب اساسنامه آن ها، اشخاص موضوع این جزء، عضو هیئت مدیره هستند از شمول این حکم مستثنی می باشند.»

مطابق تبصره ۲ الحاقی ماده ۲۴۱ قانون تجارت اصلاحی سال ۱۳۹۵: « هیچ فردی نمی تواند اصالتاً یا به نمایندگی از شخص حقوقی هم زمان در بیش از یک شرکت که تمام یا بخشی از سرمایه آن متعلق به دولت یا نهادها یا مؤسسات عمومی غیردولتی است به سمت مدیرعامل یا عضو هیئت مدیره انتخاب شود. متخلف علاوه بر استرداد وجوه دریافتی به شرکت به پرداخت جزای نقدی معادل وجوه مذکور محکوم می شود.»

مطابق تبصره ۴ قانون ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل مصوب ۱۱ دی ماه ۱۳۷۳: « تصدی هر نوع شغل دولتی دیگر در مؤسساتی که تمام یا قسمتی از سرمایه آن متعلق به دولت و یا مؤسسات عمومی است و نمایندگی مجلس شورای

۱. این ماده شامل این اشخاص است: الف- رؤسای سه قوه. ب- معاون اول رئیس جمهور، نواب رئیس مجلس شورای اسلامی و اعضا شورای نگهبان. ج- وزرا نمایندگان مجلس شورای اسلامی و معاونین رئیس جمهور. د- استانداران و سفرا. ه- معاونین وزرا.

۲. « دستگاه اجرایی: کلیه وزارتخانه ها، مؤسسات دولتی، مؤسسات یا نهادهای عمومی غیردولتی، شرکت های دولتی و کلیه دستگاه هایی که شمول قانون بر آن ها مستلزم ذکر و یا تصریح نام است از قبیل شرکت ملی نفت ایران، سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران، بانک مرکزی، بانک ها و بیمه های دولتی، دستگاه اجرایی نامیده می شوند.»

۳. « مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی از نظر این قانون واحدهای سازمانی مشخصی هستند که با اجازه قانون به منظور انجام وظایف و خدماتی که جنبه عمومی دارد، تشکیل شده و یا می شود.»

اسلامی، وکالت دادگستری، مشاوره حقوقی و ریاست و مدیریت عامل یا عضویت در هیئت‌مدیره انواع شرکت‌های خصوصی جز شرکت‌های تعاونی ادارات و مؤسسات برای کارکنان دولت ممنوع است.»

مخاطبان این دو ماده و مکان‌هایی که در آن‌ها موضوع محدودیت قرار گرفته‌اند در بالا توضیح داده شد. این دو ماده بخشنامه منطبق با مواد قانونی مستند آن‌ها است و محدودیت‌های اعلامی مختص کارمندان وزارت آموزش و پرورش و سازمان‌های تابعه آن نیست و شامل تمام کارمندان دولتی است.

۴.۵. قانون ارتقا نظام اداری و مبارزه با فساد

در مقدمه بخشنامه وزیر به صورت کلی به قانون فوق اشاره شده است. مشخص نیست کدام بخش قانون مبنای استناد به آن است. مطابق ماده ۱۸ آن: « هر نوع فعالیت اقتصادی به صورت مستقیم و غیرمستقیم برای کلیه دستگاه‌های مندرج در بندهای (الف)، (ب) و (ج) ماده (۲) این قانون که در وظایف و اختیارات قانونی آن‌ها فعالیت‌های اقتصادی پیش‌بینی نشده، ممنوع است.»

ماده ۲ فوق^۱ شامل اشخاص حقیقی نیست در حالی که محدودیت‌های وزیر مربوط به اشخاص حقیقی در حال کار در وزارتخانه مربوطه است و لذا اصولاً این ماده نمی‌تواند مبنایی برای بخشنامه باشد. حتی اگر اشخاص حقیقی فعال در اشخاص حقیقی ماده فوق را مشمول قانون فوق بدانیم (این ابهام از بند «د» ماده ۲ به وجود می‌آید که به اشخاص حقیقی اشاره دارد) بازهم ماده ۱۸ نمی‌تواند برای کارکنان وزارت آموزش و پرورش محدودیت ایجاد کند چراکه با توجه به مواد ۱، ۲ و ۱۷ قانون تأسیس مدارس غیردولتی مصوب ۱۳۹۵، نمی‌توان فعالیت مدارس را فعالیت اقتصادی دانست.

۵. موخره و نتیجه‌گیری

به طور خلاصه بررسی‌های ما در این گزارش نشان داد که:

۱. در ماده یک بخشنامه اعضای شوراهای نظارت مرکزی، استانی و شهرستانی مکلف شده‌اند بین عضویت در این شوراها یا ادامه استفاده از جواز مدارس غیردولتی یکی را انتخاب کنند. نتیجه منطقی ماده فوق این است که در صورتی که اعضای شوراها به مفاد بخشنامه عمل نکنند، وزیر آنها را از سمت‌های اجرایی که به موجب آن عضو شورای نظارت شده‌اند عزل خواهد کرد.

۲. اعمال ماده ۱ در مورد اعضای شوراهای نظارت که دارای پست اجرایی در وزارتخانه نیستند، فاقد ضمانت اجراست.

۱. در ماده ۲ آمده است: «ماده ۲- اشخاص مشمول این قانون عبارت‌اند از:

الف - افراد مذکور در مواد (۱) تا (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶/۷/۸ { وزارتخانه، مؤسسه دولتی، مؤسسه یا نهاد عمومی غیردولتی، شرکت دولتی و دستگاه اجرایی }.

ب - واحدهای زیر نظر مقام رهبری اعم از نظامی و غیرنظامی و تولید آستان‌های مقدس با موافقت ایشان.

ج - شوراهای اسلامی شهر و روستا و مؤسسات خصوصی حرفه‌ای عهده‌دار مأموریت عمومی.

د - کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی غیردولتی موضوع این قانون.»

۳. در مواد دیگر بخشنامه به صورت کلی دو محدودیت برای بخش‌های زیرمجموعه وزارت آموزش و پرورش مقرر شده است. محدودیت اول مربوط به معاملات کارکنان با وزارتخانه است و محدودیت دوم مربوط به عضویت همزمان کارکنان وزارتخانه و بخش‌های آن در مشاغل دولتی دیگر است.
۴. مواد ۲، ۵ و ۶ بخشنامه مربوط به محدودیت معاملات است که در ماده ۲ و ۵ مواردی که در آموزش و پرورش مصادیق بیشتری دارد اشاره شده است؛ از جمله معامله در مورد طرح‌های پژوهشی (و تالیفات) و خدمات مهندسان مشاور شاغل در سازمان نوسازی و در ماده ۶ به استناد قانون منع مداخله کارکنان دولت، به محدودیت کلی اشاره شده است.
۵. در مواد ۴ و ۷ بخشنامه به محدودیت مربوط به اشتغال همزمان کارکنان وزارتخانه و بخش‌های زیرمجموعه آن در مشاغل دولتی دیگر اشاره شده است.
۶. در بند ۹ بخشنامه به این مساله تاکید شده است محدودیت‌های اعلام شده در بخشنامه مصدقی از موارد تعارض منافع است و مصادیق دیگر در بخش‌های میانی و صف متعاقبا ابلاغ می‌شود.

ملاحظه مفاد بخشنامه حکایت از آن دارد که مجموعه وزارتخانه آموزش و پرورش به ابعاد حقوقی بخشنامه توجه داشته است و با توجه به مقررات موجود و اختیارات وزارتی وزیر، به مدیریت تعارض منافع مجموعه خود پرداخته است و به نظر می‌رسد به موارد مهمی از تعارض منافع در وزارت آموزش و پرورش اشاره شده است.

اگرچه می‌توان بخشنامه را منطبق بر قوانین دانست با این وجود بخش‌هایی از آن محل ایراد است. در ماده یک، اختیارات وزیر محدود به اعضای از شوراهای نظارت است که در وزارتخانه و زیرمجموعه‌های استانی و شهرستانی پست اجرایی دارد و شامل اشخاص حقیقی خارج از وزارتخانه نمی‌شود.

به نظر می‌رسد محدودیت‌های موضوع بخشنامه که مبتنی بر قوانین اسنادی ایجاد شده است شامل کارمندان با قرارداد موقت نمی‌شود و محدود به کارمندان رسمی و پیمانی وزارتخانه و زیرمجموعه‌های آن است.

در قوانین مربوط به ممنوعیت معاملات کارکنان دولتی با دستگاه‌های اجرایی، به دلیل پاره‌ای ملاحظات مانند انحصاری بودن کالا و خدمات، معافیت‌هایی برای دستگاه اجرایی پیش‌بینی شده است که باید با مجوز بالاترین مقام اجرایی دستگاه باشد در حالی که با توجه به بخشنامه حاضر، به صورت کلی تمام معاملات ممنوع اعلام شده است که این محدودیت ممکن است در عمل مشکلاتی را برای تامین نیازهای وزارتخانه ایجاد کند.

در مورد ماده ۵ بخشنامه، این ماده تا جایی که مهندسین مشاور مخاطب ماده مشمول قوانین مربوط به ممنوعیت معاملات با دولت هستند، فاقد ایراد است اما در مورد مهندسین مشاور دیگر (مانند آنهایی که رابطه قراردادی موقت دارند) محل تامل است. چرا که اختیار وزیر برای محدود کردن اشخاص خارج از وزارتخانه برای معامله با وزارتخانه با ایراد قانونی مواجه می‌شود و داشتن چنین اختیاری برای ایجاد چنین محدودیتی برای مجموعه خود وزارتخانه نیز محل تامل است.

۶. پیوست: متن بخشنامه مدیریت تعارض منافع وزارت آموزش و پرورش

به گزارش مرکز اطلاع‌رسانی و روابط عمومی وزارت آموزش و پرورش، محسن حاجی میرزایی با صدور بخشنامه‌ای قانون منع مداخله کارکنان دولت در معاملات دولتی و قانون مدیریت خدمات کشوری را جهت اجرا به اعضای شورای معاونان، دانشگاه‌ها، سازمان‌ها و نهادهای وابسته، اعلام کرد.

متن این بخشنامه به شرح زیر است:

بر این اساس؛ به منظور تضمین حقوق و منافع عمومی از سوی کارکنان و مدیران حوزه ستادی و سازمان‌های وابسته، ادارات کل آموزش و پرورش استان‌ها و مناطق، نواحی و شهرستان‌های تابع و پیشگیری از بروز هرگونه تعارض منافع، جانب‌داری، رفتار تبعیض‌آمیز و غرض‌ورزی در انجام وظایف قانونی و ارائه خدمات عمومی و همچنین پرهیز از نقض قوانین و مقررات کشور و ورود ضرر و زیان به اموال، منافع، منابع با سلامت اداری و امنیت عمومی و با امعان نظر به قوانین و مقررات مربوط از جمله قانون ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد (مصوب ۱۳۸۷)، قانون منع مداخله کارکنان دولت در معاملات دولتی و قانون مدیریت خدمات کشوری (مصوب ۱۳۸۶)، برخی موارد و مصادیق تعارض منافع در حدود صلاحیت‌های قانونی وزارت آموزش و پرورش جهت اجرا ابلاغ می‌گردد:

۱- صدور مجوز راه‌اندازی و اداره مدرسه با مرکز آموزشی و پرورشی غیردولتی از قبیل آموزشگاه علمی آزاد، آموزشگاه زبان خارجی، مرکز مشاوره، کانون فرهنگی و تربیتی و... توسط مدیران و بستگان آنان که دارای قرابت نسبی و سببی از طبقات اول و دوم می‌باشند، مادامی که در شورای سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و نظارت مرکزی و نیز شورای نظارت بر مدارس و مراکز غیردولتی استان‌ها، شهرستان‌ها و نواحی عضویت حقیقی یا حقوقی دارند تا اطلاع ثانوی متوقف باقی بماند و افرادی که در حال حاضر دارای مجوز راه‌اندازی می‌باشند حداکثر ظرف مدت دو ماه پس از ابلاغ این بخشنامه مکلف‌اند نسبت به توقف فعالیت و تعطیلی مرکز غیردولتی اقدام و مجوز صادره را به مرجع صدور تحویل نمایند یا از تصدی پست اجرایی استعفا و از عضویت در شوراهای مذکور انصراف دهند.

تبصره: اعطای موافقت اصولی با رعایت ضوابط قانون تأسیس و اداره مدارس و مراکز آموزشی غیردولتی، بلامانع است.

۲- بر اساس حکم لایحه قانونی منع مداخله مقامات و کارمندان دولت در معاملات دولتی، انعقاد هرگونه قرارداد مربوط به اجرای طرح‌های پژوهشی با کارمندان دولتی به‌ویژه کارکنان سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی و اعضای کارمند شورای تحقیقات استان‌ها ممنوع است. همچنین از انعقاد هرگونه قرارداد تألیف، ترجمه کتب درسی و کمک آموزشی یا خرید اثر با کارکنانی که مشمول قانون مذکور هستند جدا خودداری شود.

۳- ایجاد هرگونه موقعیتی که زمینه‌ساز توزیع و فروش اجباری کتب کمک آموزشی فاقد تاییده و اعتباربخشی شده از سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی به دانش‌آموزان یا اولیای آنان از طریق مدارس گردد و جاهت قانونی است.

۴- با استناد به جز (۲) بند (ه) تبصره ۲ قانون بودجه سال ۱۳۹۹ کل کشور و تبصره ۲ الحاقی ماده ۲۴۱ قانون تجارت اصلاحی سال ۱۳۹۵ و قانون ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل مصوب ۱۱ دی‌ماه ۱۳۷۳ مجلس شورای اسلامی با الحاق بعدی عضویت هم‌زمان معاونان و مدیران دستگاه و همچنین کارکنان شاغل در کلیه پست‌های مدیریتی در



هیئت مدیره، مدیریت عاملی و سایر مدیریت‌های اجرایی شرکت‌های دولتی و نهادهای عمومی غیردولتی و سازمان‌ها اعم از زیرمجموعه خود و زیرمجموعه سایر دستگاه‌ها به استثناء عضویت نمایندگان حقوقی دستگاه ممنوع است، افراد مشمول موظف‌اند در اسرع وقت انصراف خود را از عضویت در آن شرکت‌ها و نهادهای عمومی غیردولتی و سازمان‌ها اعلام نمایند.

۵- انعقاد هرگونه قرارداد همکاری با مهندسين مشاورى كه وظیفه حاکمیتی و اعمال نظارت در سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس کشور و واحدهای تابع استانی آن را بر عهده دارند از جمله صدور تأییدیه رعایت جوانب فنی و ایمنی ساختمان یا استحکام بنا، تهیه، نظارت و انطباق نقشه‌ها با نقشه‌های ارائه شده همانند مدارس دولتی یا هرگونه اظهارنظر فنی موردنیاز در حدود و آیین‌نامه استقرار مدارس و مراکز غیردولتی، ممنوع است و افراد مشمول موظف‌اند از تاریخ ابلاغ این بخشنامه از تصدی پست اجرایی خود استعفا داده یا از هرگونه اظهارنظر فنی کارشناسی در مقام مهندسی مشاور خودداری نمایند.

۶- هرگونه تسهیل یا اعمال نفوذ و همچنین انعقاد هرگونه قرارداد پیمانکاری، خرید خدمات آموزشی، قراردادهای حوزه فناوری، خرید کالا و تجهیزات و سایر قراردادهای مدیران و کارکنان دولت یا بستگان آنان در حدود لایحه قانونی منع مداخله مقامات و کارکنان دولت در معاملات دولتی و قوانین موضوعه مربوط ممنوع است.

۷- به استناد اصل ۱۴۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هر شخص می‌تواند تنها یک شغل دولتی را عهده‌دار شود (سمت‌های آموزشی در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی و تحقیقاتی از این حکم مستثناست).

هر نوع شغل دولتی دیگر در مؤسساتی که تمام یا قسمتی از سرمایه آن متعلق به دولت یا مؤسسات عمومی است و نمایندگی مجلس شورای اسلامی، وکالت دادگستری، مشاوره حقوقی و ریاست و مدیریت عامل یا عضویت در هیئت مدیره انواع شرکت‌های خصوصی جز شرکت‌های تعاونی ادارات و مؤسسات برای کارکنان دولت ممنوع است و با افراد مشمول قانون ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل (مصوب ۱۱ دی‌ماه ۱۳۷۳ مجلس شورای اسلامی با الحاق بعدی) در چارچوب قانون و ضمانت اجرایی پیش‌بینی شده در آن قانون رفتار خواهد شد.

۹- بدیهی است موارد احصایی فوق، از جمله مصادیق حصری موضوع تعارض منافع در وزارت آموزش و پرورش نبوده و سایر موارد و مصادیق مرتبط به‌ویژه در حوزه‌های میانی و صف متعاقباً ابلاغ خواهد شد.

۱۰- مسئولیت حسن اجرای این بخشنامه در ستاد به عهده معاونت حقوقی و امور مجلس، در دانشگاه‌ها و سازمان‌های وابسته به عهده رؤسای مربوطه و در استان‌ها به عهده مدیران کل آموزش و پرورش خواهد بود.

شایان ذکر است، این بخشنامه در ۱۹ خردادماه ۹۹ به معاونت‌ها، سازمان‌ها، مراکز، دانشگاه فرهنگیان و دانشگاه شهید رجایی و مدیران کل آموزش و پرورش استان‌ها ابلاغ شده است.



پژوهشکده مطالعات توسعه

تحلیل حقوقی بخشنامه مدیریت تعارض منافع در وزارت آموزش و پرورش

مدیریت تعارض منافع در بخش آموزش عمومی - ۲

کد گزارش: ۱۲۷ - شماره مسلسل: ۹۹۲۱

پژوهشگر: دکتر مجید صرفی

مرکز توانمندسازی حاکمیت و جامعه جهاد دانشگاهی

